

تحلیل تطبیقی بهره مالکانه و پذیره نقدی در قراردادهای مشارکت در تولید نفت قاره آفریقا

سید نصرالله ابراهیمی^۱، ناصر خداپرست^{۲*}

۱. استادیار گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

۲. دانشجوی دکتری حقوق نفت و گاز دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۰۳؛ تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۶/۲۱)

چکیده

بیش از ۹ درصد نفت خام جهان در قاره آفریقا ذخیره شده است. علاوه بر بعضی کشورهای آفریقایی که از قدیم تولیدکننده نفت بودند مانند لیبی، الجزایر، آنگولا و نیجریه در سالهای اخیر بعضی از کشورهای دیگر آفریقا نیز به جرگه تولیدکنندگان نفت پیوسته اند. ایجاد انگیزه برای جذب سرمایه های خارجی در صنعت نفت، یکی از مسائل مهم برای کشورهای آفریقایی محسوب می شود، زیرا اکتشاف و توسعه میادین نفتی آفریقا به دانش فنی بالا و صرف هزینه های هنگفتی نیازمند است که اغلب خارج از توان این دولت ها است. به همین دلیل است که با سرمایه گذاری هایی که امریکایی ها و اروپایی ها و در سال های اخیر چینی ها در این قاره انجام داده اند، ظرفیت تولید و صادرات نفت در بعضی از این کشورها رو به افزایش است. مهم ترین قراردادی که کشورهای آفریقایی با شرکت های خارجی منعقد می کنند قرارداد مشارکت در تولید است. برخی از مهم ترین مؤلفه های اقتصادی قراردادهای مشارکت در تولید عبارتند از: بهره مالکانه و پذیره نقدی. در این مقاله سعی شده است که میزان و انواع بهره مالکانه و پذیره نقدی در قوانین و قراردادهای مشارکت در تولید کشورهای تولیدکننده نفت قاره آفریقا بررسی تطبیقی شود تا مشخص شود سازوکار و میزان بهره مالکانه و پذیره نقدی کدام یک از این کشورها از تنوع و گوناگونی بیشتر و مناسب تری برای جذب سرمایه گذاران خارج برخوردار است. نتایج این مطالعه نشان می دهد که تنها قوانین و قراردادهای مشارکت در تولید چند کشور محدود آفریقایی از جمله آنگولا، لیبی، گینه استوایی و مخصوصاً نیجریه از شفافیت، تنوع و گوناگونی بیشتری برای تعیین بهره مالکانه و پذیره نقدی هنگام مذاکره و انعقاد قرارداد با شرکت های نفتی خارجی برخوردارند.

واژگان کلیدی

بهره مالکانه، پذیره نقدی، تولید نفت، قراردادهای قاره آفریقا، مشارکت در تولید.

*. E-mail: nasser_khodaparast1986@yahoo.com

۱. مقدمه

به موازات رشد سریع اقتصادی و مصرف انرژی، نیاز به منابع انرژی به‌ویژه نفت به میزان فراوانی افزایش یافته است. در این شرایط، مصرف‌کنندگان بزرگ نفت درصدد ایجاد تنوع در منابع تأمین آن برآمده‌اند و می‌کوشند سرمایه‌گذاری‌های خارجی خود را در مناطق بکر و نفت‌خیز متمرکز کنند. قاره آفریقا با برخورداری از منابع غنی نفت، محور توجه مصرف‌کنندگان بزرگ مانند امریکا، چین و هند قرار گرفته است و هر یک از آنان بر سر دستیابی به سهم بیشتری از ذخایر و منابع نفتی این قاره با یکدیگر وارد رقابت شده و استراتژی خاصی را برای تحقق هدف موردنظر خود در پیش گرفته‌اند. به موازات این تحولات و رقابت‌ها، صنعت نفت آفریقا با تحول و پیشرفت قابل ملاحظه‌ای روبه‌رو شده و اکنون افزایش قابل ملاحظه تولید نفت در آفریقا با پیشرفت چشمگیر تکنولوژی مربوط به استخراج نفت از حوزه‌های عمیق دریایی همراه شده است. الجزایر، لیبی، سودان، کامرون، غنا، سومالی و چاد از یک سو و کشورهای خلیج گینه در جنوب غرب آفریقا از جمله نیجریه، آنگولا، اوگاندا، کنیا، گابن، تانزانیا، اتیوپی و گینه استوایی از جمله کشورهای نفت‌خیز این قاره به شمار می‌آیند. از جمله قراردادهایی که در صنعت نفت این کشورها بسیار کاربرد دارد قراردادهای مشارکت در تولید هستند که حتی برخی از کشورهای تولیدکننده نفت در این قاره قوانین و مقررات خاصی را داخل کشور خود در خصوص ارکان و ویژگی‌های این دسته از قراردادهای نفتی تدوین کرده‌اند تا این قوانین مبنای انعقاد قراردادهای مشارکت در تولید از سوی این کشورها با شرکت‌های بزرگ نفتی باشند.

یکی از ویژگی‌های برجسته این قراردادها در کشورهای عضو این قاره، میزان و تنوع عوامل تعیین‌کننده بهره مالکانه و پذیره نقدی است که نگارندگان را بر این داشته تا این موضوع را در این پژوهش کنکاش کنند. لذا سؤالات اصلی این پژوهش عبارت‌اند از:

- میزان و عوامل تعیین‌کننده بهره مالکانه و پذیره نقدی در قراردادهای مشارکت در تولید نفت کشورهای قاره آفریقا به چه صورت است؟
- قراردادهای مشارکت در تولید کدام‌یک از کشورهای تولیدکننده نفت در قاره آفریقا از تنوع و گوناگونی بیشتری برای جذب سرمایه‌گذاران نفتی خارجی برخوردارند؟

- قوانین و مقررات نفتی و مدل‌های قراردادهای مشارکت در تولید کدام یک از این کشورها از پیشرفت و تحول چشمگیری در خصوص این موضوع برخوردار است؟

نگارندگان برای پاسخ به این سؤالات سعی کرده‌اند به طور تطبیقی به قوانین و مدل‌های قراردادهای مشارکت در تولید ۱۳ کشور عمده تولیدکننده نفت این قاره، یعنی، اتیوپی، الجزایر، آنگولا، اوگاندا، تانزانیا، سنگال، سومالی، کامرون، گینه استوایی، لیبی، موزامبیک، نامیبیا و نیجریه رجوع و این قوانین و مدل‌های قراردادی را واکاوی کنند تا بتوانند به این سؤالات پاسخی مستدل و مناسب بدهند.

لذا این پژوهش به دو قسمت تقسیم می‌شود که در قسمت اول به طور مختصر قراردادهای مشارکت در تولید و ویژگی‌های آن و مفهوم بهره مالکانه و پذیره نقدی در این گونه قراردادها را تعریف می‌کند، سپس در قسمت دوم رویه قانونی، قراردادهای مشارکت در تولید و میزان و انواع بهره مالکانه و پذیره نقدی هر یک از ۱۳ کشور تولیدکننده نفت در این قاره را بررسی تطبیقی می‌کند تا بتوان به تحلیل تطبیقی در خصوص تنوع عوامل تعیین‌کننده بهره مالکانه و پذیره نقدی در قراردادهای مشارکت در تولید کشورهای تولیدکننده نفت در این قاره دست یافت.

۲. قراردادهای مشارکت در تولید

این قسمت به سه بند تقسیم می‌شود که در بند اول به تعریف قراردادهای مشارکت در تولید، در بند دوم به بررسی ویژگی‌های آن و در بند سوم به مفهوم بهره مالکانه و پذیره نقدی در این گونه قراردادها پرداخته خواهد شد.

۲.۱. تعریف قراردادهای مشارکت در تولید

ترتیبات قراردادی را در بخش نفت و گاز می‌توان به دو گروه سیستم امتیازی^۱ و قراردادی^۲ دسته‌بندی کرد. سیستم قراردادی به دو گروه مشارکت در تولید^۳ و خدماتی^۴ تقسیم می‌شود (موحد، ۱۳۷۵: ۲۴۰). قراردادهای مشارکت در تولید گونه‌ای از قراردادهای نفتی‌اند

1. concessionary system
2. contractual system
3. production sharing contracts (psc)
4. service contracts

که بین دولت، شرکت یا مؤسسه دولتی و سرمایه‌گذار با هدف اکتشاف، توسعه، استخراج و بهره‌برداری منابع معدنی منعقد می‌شوند. به موجب این قرارداد دولت انجام تمامی عملیات اکتشاف، توسعه، تولید، بهره‌برداری، بازاریابی و غیره را در دوره محدود و قلمرو جغرافیایی تعیین شده به سرمایه‌گذار محول می‌کند. شرکت خارجی تأمین منابع مالی و تکنولوژی و فناوری لازم را بر عهده دارد و این شرکت در عوض آن در منافع حاصل از نفت تولیدشده سهم دارد و شریک می‌شود (فرشادگهر، ۱۳۸۱: ۲۳۸).

در خصوص پیشینه استفاده از قراردادهای مشارکت در تولید، اولین قرارداد مشارکت در تولید در اواخر دهه ۱۹۶۰ در اندونزی توسعه یافت و پس از آن کشورهای در حال توسعه آفریقایی از قبیل مصر در سال ۱۹۶۹، لیبی در سال ۱۹۷۴، آنگولا در سال ۱۹۷۵، گابن در سال ۱۹۸۲، نیجریه در سال ۱۹۹۳ و غنا و تانزانیا و سایر کشورهای تولیدکننده نفت در آفریقا در اواخر دهه ۱۹۹۰ این مدل قراردادی را استفاده کردند. اکثر کشورهای دیگر این قاره نیز از اواخر دهه ۲۰۰۰ عملیات اکتشاف و توسعه میدین نفتی خود را با استفاده از رژیم قراردادهای مشارکت در تولید آغاز و انواع مدل‌های قرارداد مشارکت در تولید را در کشور خود طرح و تدوین کردند و از آن در مذاکره با شرکت‌های خارجی استفاده می‌کنند. این کشورها هم‌زمان با تدوین این مدل‌های قراردادی اجازه استفاده از این روش را در قوانین نفت خود درج کردند و در این قوانین به شرکت‌های نفتی خود این اجازه را دادند تا با شرکت‌های نفتی خارجی قراردادهای مشارکت در تولید منعقد کنند (Unctad Conference on PSC, 2007, p.2).

۲.۲. ویژگی قراردادهای مشارکت در تولید

قراردادهای مشارکت در تولید معمولاً در پروژه‌های عظیم نفتی و با سرمایه‌بالاتر کاربرد دارند و دارای مراحل اکتشاف، توسعه، تولید و افزایش ضریب بازیافت تولیدند. مرحله اکتشاف، در قراردادهای مشارکت در تولید معمولاً بین ۳ تا ۵ سال به طول می‌انجامد که البته این مدت زمان می‌تواند متغیر باشد. ریسک مرحله اکتشاف بر عهده شرکت عامل یا سرمایه‌گذار خارجی است، بنابراین در صورت ناموفق بودن در عملیات اکتشاف، هزینه‌ها بر عهده سرمایه‌گذار است. مرحله توسعه امکان دارد تا ۱۰ سال ادامه یابد و

این زمانی است که در منطقه مورد نظر اکتشاف تجاری صورت گرفته باشد. در مرحله تولید نیز مدت زمان متعارف بین ۱۰ تا ۲۰ سال است که در صورت امکان توسعه و به شرط استمرار تولید یا افزایش ضریب بازیافت تولید ممکن است بر این مدت افزوده شود. به طور کلی مدت زمان قرارداد مشارکت در تولید تابعی از طول مدت قرارداد به شمار می‌رود و از انعطاف لازم در مسیر اجرای قرارداد برخوردار است (الماسی و حبیبی، ۱۳۹۱: ۱۳۸-۱۴۰).

از امتیازات قراردادهای مشارکت در تولید این است که در قراردادی که دولت در آن شرکت می‌کند یک چیز همیشه مدنظر و محاسبه می‌شود که آن اختیارات دولت است. در رابطه قراردادی به منظور بهره برداری از منابع زیرزمینی که مبتنی بر اصول یک مشارکت است دولت دو نقش ایفا می‌کند: از یک طرف او تعهدات ناشی از قرارداد را اجرا و از طرف دیگر اعمال حق عمومی خود را حفظ می‌کند. یکی از جلوه‌های مهم اعمال این حق، نظارت دولت بر رژیم مالی قرارداد مشارکت در تولید و ارکان آن از قبیل تقسیم محصول تولیدشده، استهلاک سرمایه عامل، مالیات، بهره مالکانه و پذیره نقدی برای جلوگیری از ایجاد سود و منافع غیرمتعارف و بادآورده برای عامل یا شرکت خارجی است.

دولت میزبان در این گونه قراردادها میزان کنترل، نظارت و مشارکت خود را تا میزان بالایی نسبت به سایر انواع قراردادهای نفتی گسترش می‌دهد. در نتیجه دولت میزبان ذخایر نفت و گاز خود را بهتر مدیریت می‌کند و در نتیجه بهتر می‌تواند توسعه اقتصادی کشور خود را طراحی کند (2: Unctad Conference on PSC, op.cit). یکی دیگر از مزایا و امتیازات قراردادهای مشارکت در تولید این است که دولت میزبان هیچ‌گونه هزینه‌ای پرداخت نمی‌کند و تمامی هزینه‌ها و ریسک پروژه با شرکت خارجی است و بازپرداخت هزینه‌ها نیز نه به طور نقدی بلکه از طریق محصول همان میدان صورت خواهد گرفت (3: Ibid). به موجب قرارداد مشارکت در تولید شرکت عامل در مقابل دولت میزبان متعهد به انجام امور زیر است:

۱. تعهد عامل به اکتشاف، توسعه و تولید نفت در حوزه قراردادی که ریسک و هزینه به عهده عامل است و محصول تولیدشده بین عامل و دولت مطابق قرارداد تقسیم می‌شود.

۲. جز مشارکت در محصول تولیدشده بین دولت و عامل، این قرارداد هیچ شراکت یا مالکیتی را برای عامل ایجاد نمی‌کند.
۳. تأمین منابع مالی و فناوری لازم برای انجام عملیات اکتشاف، توسعه، تولید و غیره.
۴. عامل متعهد به تحمل هزینه‌ها در تمام طی دوره عملیات نفتی طبق این قرارداد است. اگر در منطقه قراردادی اکتشاف به سطح تجاری نرسد و محصول به دست آمده کافی نباشد عامل خود مسئول تحمل هزینه‌های از دست رفته است.
۵. پرداخت مالیات؛
۶. پرداخت بهره مالکانه یا حق الارض^۱؛
۷. پرداخت پاداش یا پذیره نقدی^۲؛
۸. تحمل خطر و ریسک؛
۹. تأمین نیازهای تکنیکی و آموزش نیروی انسانی کشور میزبان (فرشادگهر، پیشین: ۲۳۸-۲۴۰).

۳.۲. معنا و مفهوم بهره مالکانه و پذیره نقدی

این بند به دو قسمت تقسیم می‌شود که در قسمت اول معنا و مفهوم بهره مالکانه و در قسمت دوم معنا و مفهوم پذیره نقدی بررسی می‌شود.

۳.۲.۱. بهره مالکانه

یکی از واژه‌هایی که تقریباً در اکثر قراردادهای نفتی با آن مواجه می‌شویم اصطلاح بهره مالکانه است. معمولاً آنچه امروز درباره طبیعت و بهره مالکانه در اقتصاد جهانی مطرح شده است معادن به طور عام و نفت و گاز به طور خاص‌اند. در تعریف عام حقوق معادن، بهره مالکانه حق الارض یا حق الاجاره‌ای است که به منظور بهره‌برداری از امتیاز منابع دارای ارزش اقتصادی (برای نمونه حق استخراج از معدن) یا برای بهره‌گرفتن از امتیاز حقوق مالکیت معنوی و حق تکثیر (کپی رایب)، حق امتیاز، نشانه تجاری یا دانش فنی و

1. Royalty
2. Bonus

تکنولوژی به دولت یا مالک پرداخت می‌شود. اما در تعریف خاص حقوق نفت، بهره مالکانه یک نوع مالیات است که به منزله درصدی از تولید نفت محاسبه و به دولت میزبان به منزله حق‌الاجاره اعطای امتیاز و حقوق مربوط به انجام عملیات نفتی به شرکت نفتی بین‌المللی پرداخت و میزان آن عموماً از طریق قانون مشخص و از درآمد ناخالص میدان نفتی أخذ می‌شود. عامل معمولاً به دولت به طور ماهانه بهره مالکانه می‌پردازد. بهره مالکانه به صورت نقدی و محصول تولیدی کالا قابل پرداخت است و به صلاحدید و انتخاب دولت بستگی دارد (Johnston, 1994: 40).

۲.۳.۲. پذیره نقدی یا پاداش

پذیره‌های نقدی یا پاداش مبلغی نقدی است که در مراحل مختلف قرارداد یعنی از انعقاد قرارداد تا پایان تولید و بهره‌برداری از میدان که عموماً متقارن با تاریخ پایان قرارداد است، از سوی شرکت نفت خارجی به دولت میزبان پرداخت می‌شود (الماسی، پیشین: ۱۴۳).

۳. رویه قانونی و قراردادی مشارکت در تولید نفت کشورهای قاره آفریقا

این قسمت به ۱۳ بند تقسیم می‌شود و در هر بند به طور جداگانه رویه قانونی و قرارداد مشارکت در تولید و میزان و انواع بهره مالکانه و پذیره نقدی ۱۳ کشور تولیدکننده نفت در این قاره به طور جداگانه بررسی می‌شوند. این ۱۳ کشور عضو قاره آفریقا به ترتیب حروف الفبا عبارت‌اند از: اتیوپی، الجزایر، آنگولا، اوگاندا، تانزانیا، سنگال، سومالی، کامرون، گینه استوایی، لیبی، موزامبیک، نامیبیا و نیجریه.

بند اول: اتیوپی

اتیوپی با نام رسمی جمهوری دموکراتیک فدرال اتیوپی، کشوری محصور در خشکی و در شاخ آفریقا قرار گرفته است. در مدل قرارداد مشارکت در تولید اتیوپی که در سال ۲۰۱۱ منتشر شده است در خصوص بهره مالکانه و پذیره نقدی اطلاعات اندکی موجود است. بند ۲ ماده ۱۱ این مدل قراردادی در خصوص بهره مالکانه مقرر می‌دارد که پیمانکار بایستی در پایان هر ماه، بهره مالکانه‌ای متناسب با میزان کل تولید نفت در

هر روز از میدان مورد عملیات توسعه به این کشور پرداخت کند. اتیوپی به ازای تولید هر ۲۰ هزار بشکه نفت در هر روز نرخ جداگانه‌ای را به‌منزله بهره مالکانه تعیین کرده است و با افزایش تولید نفت و به‌هنگامی که میزان تولید به ۱۰۰ هزار بشکه یا بالاتر در هر روز برسد نرخ بهره مالکانه افزایش می‌یابد و به حداکثر خود می‌رسد. پس به این نتیجه می‌رسیم که در اتیوپی نرخ بهره مالکانه به میزان تولید نفت بستگی دارد و با توجه به میزان تولید نفت، نرخ بهره مالکانه نیز تغییر و با افزایش تولید، نرخ بهره مالکانه نیز افزایش می‌یابد (Model Petroleum Production Sharing Agreement of Ethiopia, 2011: 40).

بند ۳ ماده ۱۱ و ۱۲ مدل قرارداد مشارکت در تولید در خصوص پذیره نقدی است. اتیوپی از پیمانکار دو نوع پذیره نقدی یا پاداش، یکی هنگام امضای قرارداد و دیگری هنگام شروع تولید نفت از میدان، دریافت می‌کند. در این مواد مقرر شده است که پیمانکار بایستی پس از ۳۰ روز از تاریخ لازم‌الاجرا شدن قرارداد به کارفرما مبلغ مشخص و تعیین شده در قرارداد را به‌منزله پاداش یا پذیره نقدی امضای قرارداد بپردازد. همچنین، پیمانکار بایستی پس از ۳۰ روز تولید مداوم و مستمر و به نسبت میزان تولید، پاداشی را به طور نقدی به دولت اتیوپی پرداخت کند که با افزایش تولید نفت میزان پذیره نقدی نیز افزایش خواهد یافت (Ibid: 41). در این قرارداد به دلیل محرمانه بودن اطلاعات مندرج در آن میزان پذیره نقدی و بهره مالکانه، به طور دقیق مشخص نشده است و تنها از این قرارداد این امر استنتاج می‌شود که اتیوپی از تنوع و گوناگونی مناسبی در اخذ بهره مالکانه و پذیره نقدی از سوی پیمانکار برخوردار است و به نسبت میزان تولید نفت میزان بهره مالکانه و پذیره نقدی نیز به همان میزان افزایش خواهد یافت.

بند دوم: الجزایر

الجزایر کشوری است در شمال قاره آفریقا، میان کشورهای مراکش و تونس. میزان ذخایر نفت الجزایر در حدود ۱۲/۲ هزار میلیون بشکه است که ۰/۷ درصد کل نفت دنیا را در اختیار دارد. میزان تولید نفت الجزایر در حدود ۱/۶۶۷ هزار بشکه در روز است و حدود ۱/۸ درصد نفت دنیا را تولید می‌کند (BP statistical review of World Energy, 2013: 6).

مقررات کلیدی و حاکم بر صنعت نفت و گاز الجزایر قانون شماره ۰۷-۰۵، مصوب ۲۰۰۵ این کشور است که در ۲۹ جولای ۲۰۰۶ اصلاح شد. اما مهم‌ترین قانونی که بر قراردادهای مشارکت در تولید الجزایر هم‌چنان حکمفرماست قانون شماره ۸۶-۱۴ مصوب ۱۹ آگوست ۱۹۸۶ است و الجزایر در انعقاد قراردادهای نفتی و به خصوص قراردادهای مشارکت در تولید، این قانون را اجرا می‌کند (Ghella & Mekerba, 2013: 1).

نرخ بهره مالکانه در قراردادهای الجزایر براساس مواد ۲۵، ۲۶ و ۸۵ قانون شماره ۰۶-۱۰ با توجه به میزان نفت تولیدی و منطقه جغرافیایی که عملیات توسعه نفت در آن منطقه صورت می‌گیرد، متغیر است. نرخ بهره مالکانه بنا به نص صریح قانون، از ۵/۵ درصد شروع شده و با افزایش تولید، این میزان افزایش می‌یابد و سقف آن ۲۰ درصد است (Ibid: 34).

در مناطق جغرافیایی نیز که توسعه میدان نفتی در آن آسان‌تر و کم‌هزینه‌تر است (مناطق خشکی)^۱ بهره مالکانه نرخ بالایی دارد و با افزایش تولید این نرخ روند صعودی می‌یابد و به سقف خود که ۲۰ درصد است می‌رسد و بالعکس با توسعه میدان نفتی در مناطق جغرافیایی بسیار سخت و پرهزینه (مناطق دریایی)^۲ بهره مالکانه نرخ بسیار پایینی دارد و تنها با افزایش تولید است که این نرخ افزایش می‌یابد. در خصوص پذیره نقدی بایستی اشاره کرد که بند ۲ ماده ۳۴ قانون شماره ۵-۷ به این مطلب اشاره کرده است که پیمانکار بایستی پذیره نقدی هم برای امضای قرارداد و هم هنگام شروع تولید نفت به دولت الجزایر یا شرکت ملی نفت آن کشور پرداخت کند. این قانون در خصوص میزان پذیره نقدی هیچ‌گونه اشاره‌ای نکرده و آن را به مذاکره هنگام انعقاد منوط کرده است (Algeria Hydrocarbon law, 2006:36-37).

بند سوم: آنگولا

آنگولا کشوری بزرگ در جنوب غرب آفریقا و در کناره جنوبی اقیانوس اطلس است که بین کشورهای نامیبیا و جمهوری دموکراتیک کنگو واقع شده است. میزان ذخایر نفت

1. Onshore
2. Offshore

آنگولا در حدود ۱۲/۷ هزار میلیون بشکه است که ۰/۸ درصد کل نفت دنیا را در اختیار دارد. میزان تولید نفت آنگولا در حدود ۱/۷۸۴ هزار بشکه در روز است و این کشور حدود ۲/۱ درصد نفت دنیا را تولید می‌کند. آنگولا امروزه به دومین تولیدکننده بزرگ نفت قاره آفریقا بعد از نیجریه تبدیل شده است. شرکت‌های نفتی خارجی تنها می‌توانند از طریق انعقاد قراردادهای مشارکت در تولید با شرکت ملی نفت این کشور سرمایه‌گذاری کنند (African Economic Outlook, 2008:124).

قانون شماره ۱۰/۰۴ مصوب ۱۲ نوامبر ۲۰۰۴ مربوط به فعالیت‌های نفتی آنگولا است. ماده ۸۴ این قانون در خصوص پذیره نقدی و بهره مالکانه است و طبق این ماده پیمانکار خارجی ملزم است که به شرکت نفت آنگولا پاداش یا پذیره نقدی و بهره مالکانه بپردازد، اما میزان آن را به طور دقیق تعیین نکرده است (Angola Petroleum Activities Law, 2004, Art.84).

لذا در خصوص میزان دقیق پذیره نقدی و بهره مالکانه بایستی به مدل قرارداد مشارکت در تولید این کشور رجوع کرد. ماده ۲۲ مدل قرارداد مشارکت در تولید آنگولا در سال ۲۰۰۸ در خصوص پذیره نقدی است (Model Petroleum Production Sharing Agreement of Angola, 2004, Art. 32).

در این قرارداد آمده است که آنگولا از شرکت نفت خارجی چهار نوع پذیره نقدی دریافت می‌کند که عبارت‌اند از: ۱. پذیره نقدی امضای قرارداد؛ ۲. پذیره نقدی هنگام کشف تجاری میدان نفتی؛ ۳. پذیره نقدی هنگام شروع تولید از میدان نفتی و ۴. پذیره نقدی در پایان هر سال به ازای تولید سالانه از میدان نفتی. میزان این پذیره‌های نقدی منوط به مذاکرات قراردادی بین طرفین است و در هر مورد فرق می‌کند. نکته جالب این است که میزان پذیره نقدی برای امضای قرارداد در آنگولا بسیار بالا و بلیون دلاری است، اما پذیره نقدی برای اکتشاف و تولید میدان بسیار پایین و میلیون دلاری است. براساس آخرین اطلاعات، شرکت پترو براس^۱ در سال ۲۰۰۶ برای بلوک نفتی شماره ۱۸، ۱/۱ بلیون دلار پذیره نقدی برای امضای قرارداد و شرکت توتال در سال ۲۰۰۶ برای

1. Petro bras

بلوک شماره ۱۷ نیز همین میزان را برای امضای قرارداد پرداخت کرد (Lya Ramos, 2012:13 & 23).

در خصوص میزان بهره مالکانه نیز بایستی به این مطلب اشاره کرد که براساس گزارش شرکت ملی نفت آنگولا میزان بهره مالکانه پرداختی به این کشور بیشتر به منطقه جغرافیایی که در آن عملیات توسعه میدان نفتی صورت می‌گیرد بستگی دارد. در مناطق جغرافیایی که انجام عملیات توسعه در آن بسیار سخت و پرهزینه است (مناطق دریایی) میزان بهره مالکانه دریافتی از پیمانکار نسبت به مناطق آسان‌تر و کم‌هزینه‌تر (مناطق خشکی) کمتر است و لذا هرچه مکان جغرافیایی برای انجام عملیات نفتی سخت‌تر و پرهزینه‌تر باشد میزان بهره مالکانه کاهش می‌یابد و روند نزولی خواهد داشت و بالعکس هرچه مکان جغرافیایی برای انجام عملیات نفتی آسان و کم‌هزینه باشد نرخ بهره مالکانه افزایش می‌یابد. لذا میزان بهره مالکانه با توجه به نوع منطقه جغرافیایی متفاوت از هم است (Angola Ministry of Finance, 2004:16-19).

بند چهارم: اوگاندا

اوگاندا کشوری است در حاشیه دریای ویکتوریا که در شرق میانه آفریقا واقع شده است. این کشور دارای منابع بسیار بزرگ، بکر و دست‌نخورده نفت خام است. قانون حاکم بر فعالیت‌های نفتی در اوگاندا عبارت است از: قانون نفت مصوب ۱۹۸۵ (Oil & Gas laws in Uganda, 2011: 14) براساس ماده ۴۷، قانون نفت مصوب ۱۹۸۵، قانون مالیات بر درآمد این کشور مصوب ۱۹۹۷ و اصلاحیه سال ۲۰۱۰. این طور مقرر شده است که اوگاندا هنگام سرمایه‌گذاری شرکت‌های نفتی خارجی هم پذیره نقدی امضای قرارداد و هم پذیره نقدی شروع تولید نفت را از میدان مورد عملیات و بهره مالکانه دریافت می‌کند (Ibid, p.27) و در تولید مشارکت دارد (Layand & Minio-Paluello, 2010:5).

برای مثال، مواد ۹ تا ۱۴ یکی از قراردادهای مشارکت در تولید اوگاندا که با شرکت نفت Heritage منعقد شده در خصوص رژیم مالی قرارداد است. ماده ۹ در خصوص پذیره نقدی امضای قرارداد است که اوگاندا برحسب نوع میدان نفتی و حجم نفت موجود در آن میزان پذیره نقدی را معین کرده است. برای مثال، اگر در بلوک عظیم 3A،

۳۰۰ هزار دلار و در بلوک کم حجم 2A باشد ۲۰۰ هزار دلار پذیره نقدی امضا دریافت کرده است (Ibid. p.6). بند دوم ماده ۹ این قرارداد در خصوص پذیره نقدی مربوط به شروع تولید از میدان مربوطه است که پیمانکار بایستی مبلغ ۵ میلیون دلار به منزله پذیره نقدی به دولت اوگاندا پرداخت کند. لذا این کشور در خصوص تعیین پذیره نقدی هیچ گونه تحول و پیشرفت چشمگیری نداشته است. ماده ۱۰ این مدل قراردادی در خصوص بهره مالکانه است. در این ماده این گونه مقرر شده است که میزان بهره مالکانه به ازای تولید ۲۵۰۰ بشکه نفت در هر روز ۵ درصد، از ۲۵۰۰ تا ۵۰۰۰ بشکه در روز ۷/۵ درصد و از ۵۰۰۰ تا ۷۵۰۰ بشکه در روز ۱۰ درصد و بالاتر از ۷ هزار بشکه در روز ۱۲/۵ درصد است (Model Production Sharing Agreement, Uganda, 1999, Art.10).

لذا میزان بهره مالکانه در این مدل قراردادی با توجه به میزان تولید نفت خام تعیین شده است و با افزایش تولید نفت خام از میدان مربوطه نرخ بهره مالکانه نیز افزایش می یابد.

بند پنجم: تانزانیا

جمهوری متحد تانزانیا کشوری است در شرق آفریقا. قراردادهایی که در صنعت نفت تانزانیا منعقد می شود به طور عمده قراردادهای مشارکت در تولید به شمار می روند (Kabwe, 2014:2).

براساس بند ۳ ماده ۱۱ مدل قرارداد مشارکت در تولید تانزانیا در سال ۲۰۱۳، پیمانکار موظف است دو نوع پذیره نقدی به تانزانیا پرداخت کند. پذیره نقدی اول مربوط به امضای قرارداد است که حداکثر ۲/۵ میلیون دلار امریکاست. پاداش و پذیره نقدی بعدی مربوط به شروع تولید از میدان است که پیمانکار بایستی با شروع تولید به دولت تانزانیا مبلغ ۵ میلیون دلار امریکا پرداخت کند (Model Production Sharing Agreement of Tanzania, 2013, Art. 11).

ماده ۱۶ این مدل قراردادی مربوط به بهره مالکانه است. در این قرارداد تعیین نرخ بهره مالکانه به نوع منطقه عملیاتی از لحاظ جغرافیایی بستگی دارد و میان مناطق خشکی و دریایی تفاوت وجود دارد. براساس این ماده پیمانکار ملزم است که در مناطق خشکی که

هزینه انجام عملیات نفتی و تولید در آن پایین است، ۱۲/۵ درصد و در مناطق دریایی که هزینه انجام عملیات نفتی و تولید در آن بسیار بالاست، ۷/۵ درصد کل تولید نفت خام را پرداخت کند (Ibid, Art. 16). پس تانزانیا از ساز و کار منطقه جغرافیایی و نوع آن برای تعیین بهره مالکانه استفاده می‌کند.

بند ششم: سنگال

جمهوری سنگال کشوری است در غرب آفریقا. قانون حاکم بر فعالیت‌های صنعت نفت سنگال لایحه شماره ۹۸۰۵ مصوب ۸ ژانویه ۱۹۹۸ معروف به قانون نفت و گاز سنگال است. براساس این قانون، نرخ بهره مالکانه متغیر و حداقل آن ۲ درصد و حداکثر آن ۱۰ درصد است. در این قانون سازوکار تعیین میزان بهره مالکانه به منطقه عملیاتی و خشکی دریایی بودن آن بستگی دارد و به طور حتم نرخ بهره مالکانه در مناطق دریایی که هزینه تولید و بهره‌برداری بسیار بالاست نسبت به مناطق خشکی بسیار کمتر است (Senegal Petroleum Code, 1998: 3)، زیرا ماده ۴۱ این قانون مقرر می‌دارد که نرخ بهره مالکانه در مناطق خشکی از ۲ تا ۱۰ درصد و در مناطق دریایی از ۲ تا ۸ درصد است (Senegal Petroleum code, 1998., Art. 41).

در خصوص پذیره نقدی بایستی اشاره کرد که این قانون پذیره نقدی مربوط به امضای قرارداد را حذف کرده، اما پذیره نقدی مربوط به تولید حذف نشده و از ابتدای تولید میدان و بنا به توافق طرفین میزان آن تعیین شده است و بایستی به دولت سنگال پرداخت شود (Ibid, p.3).

بند هفتم: سومالی

سومالی کشوری است در شرق قاره آفریقا. قانون حاکم بر فعالیت‌های بالادستی صنعت نفت و گاز سومالی قانون نفت و گاز این کشور مصوب سال ۲۰۰۷ است. ماده ۱۳ این قانون در خصوص قراردادهای مشارکت در تولید است. بند ۶ این ماده در خصوص تعهدات مالی پیمانکار از جمله پرداخت بهره مالکانه و پذیره نقدی امضای قرارداد و تولید میدان است (Somali Petroleum Law, 2007, Art 13.6).

در خصوص میزان پذیره نقدی امضای قرارداد در این قانون مقرر شده است و آن را منوط به مذاکره و توافق بین طرفین کرده است (Presentation to Somalia Prime (Minister, 2006:21).

در اکثر قراردادهای مشارکت در تولید سومالی میزان پذیره نقدی امضا، ۴ میلیون دلار آمریکا تعیین شده، اما میزان پذیره نقدی تولید میدان و بهره مالکانه به طور پلکانی متغیر است و به میزان تولید نفت از میدان بستگی دارد، به این ترتیب که با افزایش تولید نفت از میدان، میزان پذیره نقدی و بهره مالکانه نیز به طور صعودی افزایش خواهد یافت. برای مثال، در قراردادهای مشارکت در تولید سومالی مقرر شده است در صورتی که کل حجم تولیدی میدان طی عمر قرارداد ۵۰ میلیون بشکه نفت باشد، پذیره نقدی آن ۳ میلیون دلار آمریکا، اگر ۱۵۰ میلیون بشکه باشد ۱۳ میلیون دلار، اگر ۲۵۰ میلیون بشکه باشد ۲۱ میلیون دلار و اگر بیشتر از آن باشد ۵۳ میلیون دلار است (Ibid:51). میزان نرخ بهره مالکانه نیز به میزان تولید نفت از میدان بستگی دارد که میزان آن علی‌الاصول در قراردادهای مشارکت در تولید سومالی بین ۶ تا ۸ درصد است که هر چه تولید نفت افزایش یابد نرخ بهره مالکانه نیز افزایش خواهد یافت، اما این نرخ از ۶ درصد پایین‌تر نخواهد بود (Ibid:18).

بند هشتم: کامرون

جمهوری کامرون کشوری است در غرب آفریقا. کامرون دارای ذخایر نفتی بالغ بر ۲۰۰ میلیون بشکه و میزان تولید نفت این کشور در حدود ۶۰ هزار بشکه در روز است (Cameroon oil & gas, 2013:1).

قانون حاکم بر صنایع بالادستی نفت این کشور قانون نفت مصوب ۲۲ دسامبر ۱۹۹۹ است. تنها قراردادی که در صنعت نفت کامرون کاربرد دارد قرارداد مشارکت در تولید است و به تازگی نیز این کشور مدل جدیدی طراحی کرده است. بخش ۹۷ این قانون در خصوص پذیره نقدی است. کامرون دو نوع پذیره نقدی امضای قرارداد و تولید میدان دریافت می‌کند. این قانون چگونگی تعیین پذیره نقدی را منوط به مذاکره دولت با پیمانکار کرده است که از طریق مذاکره میزان آن را تعیین کنند (Ibid:3). این قانون در خصوص بهره مالکانه این گونه مقرر می‌دارد که پیمانکار بایستی با توجه به حجم و میزان تولید نفت،

مبلغی را به منزله بهره مالکانه به دولت کامرون پردازد. این مقدار ثابت نیست و متغیر است. لذا با افزایش حجم تولید میزان بهره مالکانه افزایش و با کاهش آن میزان آن روند نزولی می‌یابد (Ibid:4).

بند نهم: گینه استوایی

جمهوری گینه استوایی در غرب قاره آفریقا، بین کشورهای کامرون و گابن واقع است. میزان ذخایر نفت گینه استوایی در حدود ۱/۷ هزار میلیون بشکه است و حدود ۰/۱ کل نفت دنیا را در اختیار دارد. میزان تولید نفت این کشور حدود ۲۸۳ هزار بشکه در روز است که حدود ۰/۳ درصد کل نفت دنیا را تولید می‌کند. قانون حاکم بر صنعت نفت این کشور قانون هیدروکربن مصوب ۳ نوامبر ۲۰۰۶ است. براساس ماده ۵۸ این قانون میزان بهره مالکانه با توجه به حجم تولید نفت متغیر است و با افزایش تولید نفت میزان بهره مالکانه نیز افزایش خواهد یافت، اما حداقل آن ۱۳ درصد است (Guinea Hydrocarbon law.2006, Art.58-62).

ماده ۱۱ مدل قرارداد مشارکت در تولید گینه استوایی در خصوص پذیره نقدی است. در این ماده انواع پذیره‌های نقدی مشخص شده است. این کشور سه نوع پذیره نقدی از پیمانکار دریافت می‌کند که اولین آن پذیره نقدی امضای قرارداد است که بایستی ظرف مدت ۳۰ روز پس از تاریخ لازم‌الاجرا شدن قرارداد به دولت پرداخت شود و میزان آن به مذاکره طرفین بستگی دارد. نوع دوم، پذیره نقدی مربوط به کشف میدان تجاری است (Model Production Sharing Contract of Equatorial Guinea, 2013, Art. 11).

طبق این ماده پیمانکار بایستی پس از کشف میدان تجاری و ظرف مدت ۳۰ روز مبلغ مورد توافق و مذاکره بین خود را به منزله پاداش کشف میدان تجاری به دولت پرداخت کند و نوع سوم، پذیره نقدی مربوط به تولید میدان است. این پذیره نقدی نیز به صورت پلکانی افزایش می‌یابد و با شروع تولید، پذیره نقدی که حداقل میزان خود است به دولت پرداخت خواهد شد و با افزایش تدریجی تولید و متناسب با آن نیز میزان پذیره نقدی افزایش خواهد یافت و میزان پذیره نقدی در این مرحله نیز به قرارداد مربوطه و مذاکره میان طرفین بستگی دارد. اما در آخرین اطلاعات منتشر شده در خصوص میزان

پذیره نقدی اخذشده از سوی دولت گینه استوایی این کشور ۱ میلیون دلار امریکا به منزله پذیره نقدی امضا، ۳ میلیون دلار امریکا به منزله پذیره نقدی اکتشاف و ۲ میلیون دلار امریکا به منزله پذیره نقدی تولید از پیمانکار خارجی دریافت کرده است (Saidu, 2014:1-4).

بند دهم: لیبی

لیبی کشوری عربی در آفریقای شمالی است. میزان ذخایر نفت لیبی در حدود ۴۸ هزار میلیون بشکه نفت است و این کشور حدود ۲/۹ درصد ذخایر کل نفت دنیا را در اختیار دارد. میزان تولید نفت این کشور ۲/۴۱۷ هزار بشکه در روز است که حدود ۲/۸ درصد کل نفت دنیا را تولید می کند (BP Statistical review of World Energy 2013:8).

قانون حاکم بر فعالیت های صنعت نفت و گاز لیبی قانون نفت این کشور مصوب ۲۵ نوامبر ۱۹۵۵ است و تمامی قراردادهای نفتی از جمله قراردادهای مشارکت در تولید که در لیبی استفاده می شوند تحت لوای این قانون قرار دارند (Clyde & Booth, 2012:1).

در این قراردادها دو نوع پذیره نقدی از پیمانکار دریافت می شود، یکی پذیره نقدی امضای قرارداد و دیگری پذیره نقدی مربوط به تولید میدان که میزان پذیره نقدی در این مرحله به میزان تولید نفت از میدان مورد نظر بستگی دارد که با افزایش تولید پیمانکار خارجی بایستی پذیره نقدی بیشتری به دولت لیبی پرداخت کند (Ibid). طبق آخرین اطلاعات موجود شرکت نفتی اکسیدنتال^۱ در قرارداد مشارکت در تولید خود با دولت لیبی در سال ۲۰۰۸ مبلغ ۱ میلیارد دلار امریکا به منزله پذیره نقدی امضای قرارداد پرداخت کرد (Libya Oil Almanac. 2012: 33). این رقم در نوع خود بسیار بالا و بی سابقه در میان سایر انواع قراردادهای مشارکت در تولید کشورهای آفریقایی است. در سال ۲۰۰۹ نیز شرکت توتال در یک قرارداد جدید میزان ۵۰۰ میلیون دلار امریکا به منزله پذیره نقدی به دولت لیبی پرداخت کرد که این رقم نیز بسیار بالا و بی نظیر است (Ibid: 74). در مدل

1. Occidental

قرارداد مشارکت در تولید این کشور نیز موادی در خصوص پذیره نقدی و بهره مالکانه وجود دارند. ماده ۱۵ این مدل قراردادی در خصوص پذیره نقدی تولید میدان است. براساس این ماده پذیره نقدی تولید میدان با توجه به میزان و حجم تولید، متغیر و متفاوت است. برای مثال، در این قرارداد بایستی با شروع تولید از میدان، معادل یک میلیون دلار امریکا پذیره نقدی به دولت لیبی پرداخت شود. سپس، در بند بعدی مقرر شده است هنگامی که کل میزان تولید از میدان موردنظر به ۱۰۰ میلیون بشکه برسد پیمانکار بایستی معادل ۵ میلیون دلار امریکا پذیره نقدی به دولت لیبی پرداخت کند و در صورتی که میزان کل تولید نفت از میدان موردنظر ۳۰ میلیون بشکه دیگر افزایش یابد، ۳ میلیون دلار دیگر به پذیره نقدی اضافه می شود و جمعاً ۸ میلیون دلار امریکا به دولت لیبی پرداخت خواهد شد. پس با افزایش حجم تولید میزان پذیره نقدی نیز افزایش خواهد یافت (Libya PSC Model, 2006, Art. 10).

ماده ۱۹ این مدل قراردادی نیز در خصوص بهره مالکانه است. در این ماده مقرر شده است که شرکت نفت خارجی بایستی به دولت بهره مالکانه پرداخت کند که میزان آن در قانون نفت این کشور تعیین شده است. قانون نفت لیبی مصوب ۱۹۵۵ در سال ۲۰۰۲ مورد اصلاح و تجدیدنظر قرار گرفت. براساس ماده ۱۳ این قانون نرخ بهره مالکانه به طور ثابت ۱۲/۵ درصد تعیین شده است. در این ماده مقرر شده است که پیمانکار بایستی ۱۲/۵ درصد ارزش کل تولید میدان نفتی موردنظر را به منزله بهره مالکانه به دولت لیبی پرداخت کند. میزان نرخ بهره مالکانه طبق این قرارداد ثابت است و ارزش کل تولید میدان چه پایین و چه بالا باشد؛ همین میزان بهره مالکانه به طور ثابت از پیمانکار اخذ می شود و از هیچ گونه انعطافی برخوردار نیست (Ibid, Art. 19).

بند یازدهم: موزامبیک

موزامبیک کشوری است در جنوب آفریقا. موزامبیک دارای ذخایر نفت و گاز بسیاری در مناطق دریایی است و به تازگی اکتشافات جدیدی از سوی شرکت های خارجی صورت گرفته است و این میادین تا چند سال آینده توسعه خواهند یافت. مقررات کلیدی حاکم بر صنعت نفت در موزامبیک، قانون نفت مصوب ۲۱ فوریه ۲۰۰۱، قانون عملیات نفتی

مصوب ۲۰ آگوست ۲۰۰۴ و قانون مالیات نفتی مصوب ۲۷ ژوئن ۲۰۰۷ است (Couto, 2013:1).

از مهم‌ترین قراردادهایی که در صنعت نفت موزامبیک استفاده می‌شوند می‌توان به قراردادهای مشارکت در تولید اشاره کرد. در رژیم مالی این نوع از قراردادهای هم‌پذیره نقدی و هم‌بهره مالکانه وجود دارد (Ibid:3). در خصوص بهره مالکانه قانون نفت این کشور مقرر می‌دارد که پیمانکار خارجی بایستی به دولت موزامبیک بهره مالکانه از ۲ تا ۱۵ درصد، بسته به میزان تولید نفت از میدان موردنظر پرداخت کند. این ماده مربوط به مناطق خشکی است و در این مورد، میزان تولید است که نرخ بهره مالکانه را تعیین می‌کند و با افزایش میزان تولید نفت از میدان موردنظر، نرخ بهره مالکانه نیز افزایش خواهد یافت و حداقل آن ۲ و حداکثر آن ۱۵ درصد است. اما معمولاً برای قراردادهای مشارکت در تولید در مناطق خشکی از پیمانکار خارجی ۸ درصد بهره مالکانه اخذ می‌شود (Ibid:4). اما این قانون برای پرداخت بهره مالکانه در مناطق دریایی نرخ کمتری را در نظر گرفته و دلیل آن به طور حتم این است که هزینه تولید نفت در این مناطق بسیار بالاست. این میزان از ۳ تا ۷ درصد متغیر است. براساس مدل قرارداد مشارکت در تولید موزامبیک تنها پذیره نقدی تولید میدان از پیمانکار خارجی اخذ می‌شود. این مدل هیچ‌گونه مقررره‌ای در خصوص سایر انواع پذیره نقدی همچون پذیره نقدی برای امضای قرارداد ندارد. این مدل مقرر می‌دارد که در آغاز تولید از میدان و هنگامی که میزان تولید نفت ۲۵ هزار بشکه در روز باشد نرخ جداگانه‌ای برای پذیره نقدی از پیمانکار گرفته می‌شود و با افزایش تولید روزانه از همان میدان این میزان با توافق و مذاکره طرفین افزایش می‌یابد و مقدار جدید دیگری به منزله پذیره نقدی تولید اخذ می‌شود. پس در نتیجه میزان پذیره نقدی با افزایش تولید و براساس توافق طرفین افزایش خواهد یافت (Ibid:3-4).

بند دوازدهم: نامیبیا

جمهوری نامیبیا کشوری در جنوب غربی آفریقا است. نامیبیا هیچ‌گونه ذخایر اثبات‌شده نفت در داخل خشکی ندارد و ذخایر آن به طور عمده در مناطق دریایی قرار دارند که به‌تازگی مورد اکتشاف شرکت‌های نفتی خارجی قرار گرفته‌اند و تا سال ۲۰۱۵ توسعه خواهند یافت (Koep & Partners, 2013:1).

مقررات کلیدی حاکم بر صنعت نفت این کشور قانون مالیات نفت مصوب ۱۹۹۱، قانون نفت مصوب ۱۹۹۸ و مدل قرارداد نفتی این کشور مصوب ۱۹۹۸ است (Ibid). در قراردادهای مشارکت در تولید نامیبیا در ابتدای دهه ۱۹۹۰ میزان نرخ بهره مالکانه به طور ثابت ۱۲/۵ درصد بود. اما در اواخر این دهه و براساس تصمیم این دولت میزان بهره مالکانه دریافتی از پیمانکار به نحو چشمگیری کاهش یافت و در بخش ۶۲ این قانون، این میزان به ۵ درصد رسید. پس نرخ بهره مالکانه در نامیبیا ثابت و ۵ درصد کل ارزش تولید نفت از میدان است (Ibid, p.3). در خصوص پذیره نقدی شایان یادآوری است که براساس قانون نفت و مدل قرارداد مشارکت در تولید این کشور در سال ۱۹۹۸ هیچ نوع پذیره نقدی اعم از پذیره نقدی امضاء، اکتشاف و تولید میدان از پیمانکار دریافت نخواهد شد. در نتیجه این کشور علاقه‌ای به اخذ پذیره نقدی از پیمانکار خارجی ندارد (Namibia PSC Model, 2007, Art.13).

بند سیزدهم: نیجریه

نیجریه کشوری در غرب آفریقا است. نیجریه از نظر منابع نفتی دهمین و در میان صادرکنندگان نفت هشتمین کشور جهان است. میزان ذخایر نفت این کشور حدود ۳۷/۲ هزار میلیون بشکه است و حدود ۲/۲ درصد کل نفت دنیا را در اختیار دارد. آژانس بین‌المللی انرژی در تازه‌ترین گزارش خود اعلام کرد که نزدیک به ۳۰ درصد مجموع اکتشاف‌های نفت و گاز جهان در پنج سال گذشته در نیجریه بوده است. قراردادهای مشارکت در تولید از جمله قراردادهای بسیار رایج در صنایع نفت و گاز نیجریه به شمار می‌روند. این قراردادها برای اولین بار در سال ۱۹۷۳ منعقد شدند، اما به طور عمده از سال ۱۹۹۳ به بعد در صنایع بالادستی نیجریه استفاده شده‌اند. قراردادهای مشارکت در تولید در نیجریه برای توسعه میادین دریایی بسیار عمیق استفاده می‌شوند که از جمله می‌توان به میادین نفتی واقع در دلتای نیجر اشاره کرد (Mohammed Babangida, 2004:6).

مهم‌ترین قوانین حاکم بر صنعت نفت نیجریه عبارت‌اند از:

۱. قانون نفت مصوب ۱۹۹۰؛

۲. قانون مالیات بر درآمد نفتی مصوب ۱۹۹۰؛

۳. از همه مهم‌تر قانون حاکم بر قراردادهای مشارکت در تولید مناطق خشکی و عمیق دریایی مصوب ۱۹۹۹ (Ibid:23).

از جمله موضوعات مربوط به رژیم مالی قراردادهای مشارکت در تولید نیجریه بحث پرداخت بهره مالکانه و پذیره نقدی است. بهره مالکانه در قراردادهای مشارکت در تولید نیجریه در مناطق دریایی با توجه به عمق آب تعیین می‌شود که عبارت‌اند از: از عمق ۲۰۰ تا ۵۰۰ متر ۱۲ درصد، از ۵۰۱ تا ۸۰۰ متر ۸ درصد، از ۸۰۱ تا ۱۰۰۰ متر ۴ درصد و از عمق ۱۰۰۰ به بالا صفر است. پس میزان بهره مالکانه در مناطق دریایی با توجه به عمق آب تعیین می‌شود، با افزایش عمق آب، هزینه تولید نیز افزایش می‌یابد و انجام عملیات سخت‌تر خواهد بود، لذا میزان نرخ بهره مالکانه به همان نسبت نیز کاهش خواهد یافت تا جایی که از عمق ۱۰۰۰ متر به بالا هیچ‌گونه بهره مالکانه‌ای از پیمانکار دریافت نمی‌شود. بهره مالکانه در قراردادهای مشارکت در تولید مناطق خشکی نیجریه به طور ثابت ۱۰ درصد است و صرف‌نظر از افزایش یا کاهش میزان تولید این نرخ ثابت و به یک اندازه خواهد بود (Ibid:51).

مناطق دریایی (به عمق)	بهره مالکانه (درصد)
۲۰۰ تا ۵۰۰ متر	۱۲ درصد
۵۰۱ تا ۸۰۰ متر	۸ درصد
۸۰۱ تا ۱۰۰۰ متر	۴ درصد
۱۰۰۰ متر به بالا	۰

میادین نفتی نیجریه اکثراً در مناطق دریایی و بسیار عمیق و بالای عمق ۱۰۰۰ متر قرار دارند به همین دلیل عملاً در قراردادهای مشارکت در تولید نیجریه امروزه هیچ‌گونه بهره مالکانه‌ای از پیمانکار خارجی دریافت نمی‌شود. این مقادیر ذکر شده که مربوط به قراردادهای مشارکت در تولید در مناطق خشکی و دریایی بسیار عمیق‌اند در قانون قراردادهای مشارکت در تولید این کشور مصوب ۱۹۹۹ و بخش ۵ آن مقرر شده است. اما قراردادهای مشارکت در تولید مناطق ساحلی و دریایی کم‌عمق، تحت حاکمیت مقررات

حفاری و تولید نفت مصوب سال ۲۰۰۳ این کشور قرار دارند و میزان نرخ بهره مالکانه در این مناطق براساس این قانون تعیین شده است. در این قانون مقرر شده است که در مناطق ساحلی نرخ بهره مالکانه به میزان تولید نفت از منطقه بستگی دارد و بدین صورت است که برای تولید کمتر از ۲ هزار بشکه در روز ۵ درصد، برای تولید میان ۲ تا ۵ هزار بشکه در روز ۷/۵ درصد، برای تولید میان ۵ تا ۱۰ هزار بشکه در روز ۱۵ درصد و برای تولید بیش از ۱۰ هزار بشکه در روز میزان ۲۰ درصد بهره مالکانه از پیمانکار خارجی دریافت می‌شود (Ibid:52).

مناطق ساحلی (به میزان تولید نفت)	بهره مالکانه (درصد)
کمتر از ۲ هزار بشکه در روز	۵ درصد
۲ تا ۵ هزار بشکه در روز	۷/۵ درصد
۵ تا ۱۰ هزار بشکه در روز	۱۵ درصد
بیش از ۱۰ هزار بشکه در روز	۲۰ درصد

در مناطق دریایی با عمق ۱۰۰ متر در قراردادهای مشارکت در تولید نیز میزان نرخ بهره مالکانه به میزان تولید نفت بستگی دارد و بدین صورت است که برای تولید نفت کمتر از ۵ هزار بشکه در روز ۲/۵ درصد، برای تولید نفت میان ۴ تا ۱۰ هزار بشکه در روز ۷/۵ درصد، برای تولید نفت میان ۱۰ تا ۱۵ هزار بشکه در روز ۱۲/۵ درصد و برای تولید بالای ۱۵ هزار بشکه در هر روز ۱۸/۵ درصد به منزله بهره مالکانه از شرکت خارجی دریافت می‌شود. در مناطق دریایی با عمق ۱۰۰ تا ۲۰۰ متر نرخ بهره مالکانه به میزان تولید نفت در هر روز بستگی دارد و بدین صورت است که برای تولید نفت کمتر از ۵ هزار بشکه در هر روز ۱/۵ درصد، برای تولید میان ۵ تا ۱۰ هزار بشکه نفت در هر روز ۳ درصد، برای تولید نفت میان ۱۰ تا ۱۵ هزار بشکه در هر روز ۵ درصد، برای تولید نفت میان ۱۵ تا ۲۵ هزار بشکه در هر روز ۱۰ درصد و برای تولید نفت بیش از ۲۵ هزار بشکه در هر روز میزان

۱۶/۶۷ درصد به منزله بهره مالکانه از شرکت نفت خارجی دریافت می‌شود (Madaki, 2006: 9-10).

بهره مالکانه (درصد)	مناطق دریایی کم عمق (۱۰۰ متر)
۲/۵ درصد	تولید نفت کمتر از ۵ هزار بشکه در روز
۷/۵ درصد	۴ تا ۱۰ هزار بشکه در روز
۱۲/۵ درصد	۱۰ تا ۱۵ هزار بشکه در روز
۱۸/۵ درصد	بالای ۱۵ هزار بشکه در روز
بهره مالکانه (درصد)	مناطق دریایی کم عمق (۱۰۰ تا ۲۰۰ متر)
۱/۵ درصد	تولید نفت کمتر از ۵ هزار بشکه در روز
۳ درصد	۵ تا ۱۰ هزار بشکه در روز
۵ درصد	۱۰ تا ۱۵ هزار بشکه در روز
۱۰ درصد	۱۵ تا ۲۵ هزار بشکه در روز
۱۶/۶۷ درصد	بیش از ۲۵ هزار بشکه در روز

دولت نیجریه حتی برای میداین حاشیه‌ای^۱ و عملیات نفتی که در این میداین صورت می‌گیرد نیز میزان بهره مالکانه را مشخص کرده که بدین صورت است که برای تولید نفت زیر ۵ هزار بشکه ۲/۵ درصد، تولید نفت بین ۵ و ۱۰ هزار بشکه ۷/۵ درصد، بین ۱۰ و ۱۵ هزار بشکه ۱۲/۵ درصد، همچنین برای تولید ۱۵ تا ۲۵ هزار بشکه در روز ۱۸/۵ درصد را تعیین کرده است و مکانیزم تعیین میزان بهره مالکانه برای میداین حاشیه‌ای به میزان تولید نفت از این میداین بستگی دارد که با افزایش تولید میزان بهره مالکانه نیز افزایش خواهد یافت (Gbenga Biobaku, 2008:13).

۱. میداین حاشیه‌ای یا Marginal fields میداین بسیار کوچکی به شمار می‌روند که در حاشیه میدان اصلی قرار گرفته‌اند و توسعه این میداین پس از توسعه میدان اصلی نیازمند توسعه فناوری و تکنولوژی و هزینه بسیار بالاست که تنها شرکت‌های بزرگ نفتی توان توسعه این میداین را دارند.

بهره مالکانه (درصد)	میادین حاشیه‌ای (به میزان تولید نفت)
۲/۵ درصد	کمتر از ۵ هزار بشکه در روز
	۵ تا ۱۰ هزار بشکه در روز
	۱۰ تا ۱۵ هزار بشکه در روز
۱۸/۵ درصد	۱۵ تا ۲۵ هزار بشکه در روز

پس میزان نرخ بهره مالکانه در نیجریه به چند عامل بستگی دارد که عبارت‌اند از: نوع منطقه جغرافیایی (خشکی یا دریایی بودن)، عمق منطقه دریایی مورد عملیات نفتی، میزان تولید نفت در میادین خشکی و ساحلی تا عمق ۲۰۰ متر (Olaniwun, 2013: 4).

اما در خصوص پذیره‌های نقدی دریافتی از سوی دولت نیجریه بایستی اشاره کرد که این کشور چند نوع پذیره نقدی از پیمانکار خارجی دریافت می‌کند که اولین آن پذیره نقدی مربوط به امضای قرارداد است که پس از انعقاد قرارداد بایستی پذیره نقدی مربوط به امضای قرارداد که منوط به مذاکره و توافق طرفین است به دولت نیجریه پرداخت شود (Mohammed Babangida, op.cit: 80).

پذیره‌های نقدی دیگری که این کشور از شرکت نفتی خارجی دریافت می‌کند عبارت‌اند از: پذیره نقدی اکتشاف و دیگری پذیره نقدی تولید میدان نفتی (Omolade, 2013: 6-7).

نیجریه طبق آخرین اطلاعات به دست آمده در قراردادهای مشارکت در تولید خود سه نوع پذیره نقدی دریافت کرده است که عبارت‌اند از: پذیره نقدی امضای قرارداد به مبلغ ۵ میلیون دلار آمریکا، پذیره نقدی اکتشاف میدان نفتی به مبلغ ۵ میلیون دلار آمریکا و پذیره نقدی تولید میدان نفتی به مبلغ ۱۰ میلیون دلار آمریکا که جمعاً نیجریه به طور ثابت در قراردادهای مشارکت در تولید در کشور خود ۲۰ میلیون دلار آمریکا از شرکت‌های نفتی خارجی دریافت کرده است (Ibid: 37-38).

جمع‌بندی

بیش از ۹ درصد نفت خام جهان در قاره آفریقا ذخیره شده است. ایجاد انگیزه برای جذب سرمایه‌های خارجی در صنعت نفت، یکی از مسائل مهم برای کشورهای آفریقایی محسوب می‌شود، زیرا اکتشاف و توسعه میادین نفتی آفریقا به دانش فنی بالا و صرف هزینه‌های هنگفتی نیازمند است که اغلب خارج از توان دولت‌هاست. آفریقا با برخورداری از منابع غنی نفت، محور توجه مصرف‌کنندگان بزرگ مانند آمریکا، چین و هند قرار دارد و هر یک از آنان بر سر دستیابی به سهم بیشتری از ذخایر و منابع نفتی این قاره با یکدیگر وارد رقابت شده و استراتژی خاصی را برای تحقق هدف موردنظر خود در پیش گرفته‌اند. به همین دلیل است که با سرمایه‌گذاری‌هایی که امریکایی‌ها و اروپایی‌ها و در سال‌های اخیر چینی‌ها در این قاره انجام دادند، ظرفیت تولید و صادرات نفت را در بعضی از کشورها افزایش دادند. مهم‌ترین قراردادی که کشورهای آفریقایی با شرکت‌های خارجی منعقد می‌کنند قرارداد مشارکت در تولید است. برخی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اقتصادی قراردادهای مشارکت در تولید عبارت‌اند از: بهره مالکانه و پذیره نقدی. در این مقاله سعی شده است که نرخ، انواع و عوامل تعیین‌کننده نرخ بهره مالکانه و پذیره نقدی در قوانین و قراردادهای مشارکت در تولید نفت کشورهای تولیدکننده قاره آفریقا بررسی تطبیقی شود تا مشخص شود سازوکار و میزان بهره مالکانه و پذیره نقدی کدام‌یک از این کشورها از تنوع و گوناگونی بیشتر و مناسب‌تری برای جذب سرمایه‌گذاران نفتی خارجی برخوردار است. نتایج این پژوهش در چند محور قابل بررسی است که به ترتیب به آن اشاره می‌شود:

۱. قاره آفریقا به‌ویژه کشورهای غرب آفریقا به دلایل زیر برای اروپا و آمریکا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است: اول اینکه، غرب آفریقا به تنهایی حدود ۵۰ درصد یا ۶۰ میلیارد بشکه نفت آفریقا را در اختیار دارد. دوم اینکه، ذخایر اثبات‌شده در آفریقا، به‌ویژه در غرب آفریقا، در مقایسه با کشورهای نفتی جهان به خصوص خاورمیانه، روند افزایشی سریع‌تری داشته‌اند. بنا به گزارش آژانس بین‌المللی انرژی، اگر آفریقا زیرساخت‌های لازم را داشته باشد، می‌تواند در دو دهه آینده تولید خود را افزایش دهد و در بازار انرژی خود را به‌منزله یک بخش مهم در تأمین انرژی جهانی معرفی کند. مخصوصاً آنکه، تحلیلگران بر این

باورند که آفریقا ذخایر کشف نشده قابل توجه زیادی نیز در اختیار دارد. سوم اینکه، هزینه های تجاری اکتشاف و تولید نفت در آفریقا نسبتاً کم است (در مقایسه با دریای شمال و خلیج مکزیک). علاوه بر این، یکی از جاذبه های اصلی آفریقا برای شرکت های نفتی میزان موفقیت بالا در انجام عملیات حفاری اکتشافات نفت و گاز است و مزیت دیگر کیفیت بالای نفت آفریقا به ویژه نفت غرب آفریقا است.

۲. در قاره آفریقا سه نوع قرارداد مشارکت در تولید وجود دارد:

۱. قراردادهای مشارکت در تولید برای اکتشاف (EPSC)^۱ که هنگامی منعقد می شود که هیچ گونه ذخایر اثبات شده تجاری تاکنون مورد کشف قرار نگرفته است. مدت این گونه قراردادها ۲ تا ۳ سال است و قابل تبدیل به قرارداد مشارکت در تولید برای توسعه (DPSC) پس از اکتشاف میدان نفتی مربوطه نیز است یا ممکن است هم زمان قرارداد مشارکت در تولید نیز برای اکتشاف و توسعه میدان نفتی (E & DPSC) با یک شرکت نفتی خارجی منعقد شود.

۲. قراردادهای مشارکت در تولید تنها برای توسعه میدان (DPSC)^۲ که در خصوص ذخایر اثبات شده تجاری نفت و گاز هستند و پیش تر اکتشاف شده اند، اما تاکنون توسعه نیافته است.

۳. قراردادهای مشارکت در تولید برای افزایش ضریب بازیافت تولید نفت از یک میدان نفتی (EOR PSC)^۳ که این قرارداد برای افزایش تولید روزانه موجود از یک میدان نفتی برای توسعه و افزایش عمر آن میدان نفتی است که پیش تر اکتشاف شده و توسعه یافته است.

۴. در قراردادهای مشارکت در تولید آفریقا در کل سه نوع پذیره نقدی می توان یافت:

- پذیره نقدی امضای قرارداد که بعد از امضای قرارداد مبلغ مشخص و معینی از طرف شرکت نفتی خارجی به دولت میزبان پرداخت خواهد شد.

1. Exploration Production Sharing Contract
2. Development Production Sharing Contract
3. Enhanced Oil Recovery Production Sharing Contract

- پذیره نقدی اکتشاف که بعد از کشف تجاری میدان، مبلغ مشخص و معینی به دولت میزبان پرداخت خواهد شد.

- پذیره نقدی تولید که هنگامی که تولید از میدان مربوطه به سطح خاص و مشخصی می‌رسد از سوی شرکت خارجی به دولت میزبان پرداخت خواهد شد. پذیره نقدی امضا و اکتشاف معمولاً برای یک بار و به طور مقطوع به دولت میزبان پرداخت می‌شود، اما پذیره‌های نقدی تولید به طور مستمر و ثابت و هنگامی که تولید به سطوح مشخص و خاصی می‌رسد از شرکت نفتی خارجی دریافت می‌شود. در میان کشورهای مورد بررسی کشورهای لیبی، نیجریه، آنگولا، گینه استوایی این سه نوع پذیره نقدی را به طور کل در قراردادهای مشارکت در تولید خود از شرکت خارجی دریافت می‌کنند.

- در خصوص بهره مالکانه بایستی اشاره کرد که در قراردادهای نفتی آفریقا از شرکت‌های خارجی معمولاً بهره مالکانه (حق‌الاجاره) دریافت می‌کنند. میزان و نرخ بهره مالکانه در قراردادهای مشارکت در تولید آفریقا به عوامل متعددی بستگی دارد از قبیل:

- نوع منطقه عملیاتی از لحاظ جغرافیایی (خشکی یا دریایی بودن)؛
- عمق آب در مناطق ساحلی و فراساحلی (دریایی) مورد عملیات نفتی؛
- میزان تولید نفت از منطقه عملیاتی مربوطه به طور روزانه، ماهانه یا سالیانه؛
- میادین حاشیه‌ای علاوه بر میدان اصلی مورد عملیات (Marginal Fields).

این میزان با توجه به این عوامل با استفاده از مذاکره و توافق میان طرفین در قرارداد مشخص خواهد شد. میزان بهره مالکانه در برخی از کشورها ثابت و در برخی دیگر متغیر خواهد بود و متغیر بودن آن‌ها به عوامل ذکر شده ارتباط دارد. بهره مالکانه یا از مجموع کل نفت تولیدی از میدان محاسبه می‌شود که در این صورت، از مجموع کل نفت تولیدی میدان در یک ماه یا یک فصل یا حتی در یک سال درصد مشخصی که در قرارداد یا قانون تعیین شده است به منزله بهره مالکانه پس از آن ماه یا فصل یا سال از شرکت نفتی خارجی دریافت می‌شود. روش دیگر این است که ممکن است به صورت پلکانی و روزانه به ازای کل و حجم تولید در آن روز و به نسبت میزان تولید بهره مالکانه‌ای که در قرارداد یا قانون میزان آن تعیین شده است به طور جداگانه در هر روز محاسبه و مجموع آن به طور ماهیانه

محاسبه و از شرکت خارجی دریافت می‌شود. برای مثال می‌توان به گینه استوایی اشاره کرد.

۵. در میان کشورهای تحت بررسی، لیبی، نیجریه، آنگولا و گینه استوایی در تعیین بهره مالکانه به هر دو عامل توجه کرده‌اند و به دلیل وجود مناطق عملیاتی مختلف از لحاظ جغرافیایی در این کشورها برای هر منطقه به طور جداگانه سازوکار تعیین بهره مالکانه در نظر گرفته شده که نشان‌دهنده این است که این کشورها به طور کل در قراردادهای مشارکت در تولید خود از تنوع زیادی در تعیین و دریافت بهره مالکانه از شرکت نفتی خارجی برخوردارند. تنها قوانین و قراردادهای مشارکت در تولید چند کشور آفریقای از جمله آنگولا، نیجریه، لیبی و گینه استوایی از شفافیت، تنوع و گوناگونی بیشتری برای تعیین بهره مالکانه و پذیره نقدی هنگام مذاکره و انعقاد قرارداد با شرکت‌های نفتی خارجی برخوردارند. در میان این چهار کشور نیز نیجریه از شفاف‌ترین و متنوع‌ترین سازوکار برای تعیین بهره مالکانه و پذیره نقدی هنگام مذاکره و انعقاد قرارداد با شرکت‌های نفتی خارجی برخوردار است، این تنوع و شفافیت در جداولی که در بالا نشان داده شد به روشنی نمایان است. دلیل این امر میزان ذخایر بسیار زیاد نفت و حجم بالای تولید و سرمایه‌گذاری شرکت‌های بزرگ نفتی در این کشور است.

۶. جز بعضی از کشورهای آفریقای که از قدیم تولیدکننده نفت بودند مانند لیبی، الجزایر، آنگولا و نیجریه، در سال‌های اخیر بعضی از کشورهای دیگر آفریقا از جمله اتیوپی، اوگاندا، تانزانیا، سنگال، سومالی، کامرون، گینه استوایی، موزامبیک و نامیبیا نیز به جرگه تولیدکنندگان نفت پیوسته‌اند. اکتشاف و توسعه میادین نفتی آفریقا به دانش فنی بالا و صرف هزینه‌های هنگفتی نیازمند است که اغلب خارج از توان این دولت‌هاست. به همین دلیل است که با سرمایه‌گذاری‌هایی که امریکایی‌ها و اروپایی‌ها و در سال‌های اخیر چینی‌ها در این کشورها انجام داده‌اند، اکتشاف، تولید و صادرات نفت را در این قاره افزایش داده‌اند.

منابع

۱. الماسی، نجادعلی، تحلیل ساختار قراردادهای مشارکت در تولید، مجموعه مقالات همایش حقوق انرژی، به انضمام دکتر الهام امین‌زاده، انتشارات دادگستر، ۱۳۹۰.

۲. فرشاد گهر، ناصر، سیری در قراردادهای نفتی ایران، انتشارات پژوهشکده اقتصادی، ۱۳۸۱.

۳. موحد، محمدعلی، نفت ما و مسائل حقوقی آن، انتشارات خوارزمی، ۱۳۷۵.

4. Algeria Hydrocarbon law No. 05-07 dated 28 April 2005 amended and supplemented by Ordinance No. 06-10 dated 29 July 2006 (Law 05-07).
5. Angola, African Economic Outlook. AfDB/OECD, 2008.
6. Angola Petroleum Activities Law, Sonangol E.P. 2004.
7. Assessment of Angolan Petroleum Sector – Final Report , Angolan Ministry of Finance, KPMG, March 2004.
8. BP Statistical Review of World Energy, June 2013.
9. Cameroon CAC, Cameroon oil and gas, Freshfields ,BruckhausDeringerllp, March 2013.
10. Conducting oil and gas activities in Nigeria, CMS Cameron McKenna LLP, 2013.
11. Couto, Graça and Associates, Mozambique oil and gas, Freshfields Bruckhaus Deringerllp, March 2013.
12. Eduardo Vera , Angola oil and gas , Freshfields Bruckhaus Deringerllp , March 2013.
13. Federal Government of Somalia Petroleum Law. 2007.
14. Francisca E. Nlerum, Reflections on participation Regimes in Nigeria’s Oil Sector, Nigerian Current Law Review, 2010.
15. Gbenga Biobaku ,Investing in Nigeria’s Oil and Gas Industry, GbengaBiobaku& Co, 2008 ,p.13 .
16. Ghellal &Mekerba , Algeriaoil and gas,Freshfields Bruckhaus Deringerllp , March 2013.
17. Guide to Extractive Industries Documents – Oil & Gas, World Bank Institute Governance for Extractive Industries Programme, Allen &Overyllp. 2013.
18. Hydrocarbons Law No. 8/2006, of the Republic of Equatorial Guinea, November 2006.
19. Investing in Nigeria’s Oil and Gas Industry, GbengaBiobaku& Co. 2008.
20. Jenik Radon ,The ABCs of Petroleum Contracts: License-Concession Agreements, Joint Ventures, and Production-sharing Agreements, in: Covering Oil, 2004.

21. Johnston, D., International Petroleum Fiscal Systems and Production Sharing Contracts, (Tulsa, Oklahoma, United States: Penwell Publishing 1994).
22. Koep & Partners, Namibia oil and gas, Freshfields Bruckhaus Deringerllp, March 2013.
23. Laura Parmigiani, Libya: Old or New Picture? Risks of political uncertainty for the gas and oil business, Actuelles de l'Ifri, September 27th 2011.
24. Libya Oil Almanac, An Open Oil Reference Guide, 2012.
25. Libya Petroleum Law 1955 Amended by Law No.(25/55), May 11 2003 .
26. Madaki O. ameh, The Shift From Joint Operating Agreements to Production Sharing Contracts in The Nigerian Oil Industry: Any Benefits For the Players?, CEPMLP, 2006.
27. Maria Lya Ramos , Angola's oil industry operations, Open Society Initiative for Southern Africa (OSISA), 2012.
28. Masembe, Makubuya, Adriko, Karugaba & Ssekatawa Uganda oil and gas , Freshfields Bruckhaus Deringerllp, March 2013.
29. Michael E Arruda & Laurent Vandomme, Oil & Gas in Africa Recent Updates , Jones day llp, 2014.
30. Mohammed Babangida Umar, Legal Issues in the Management of Nigeria's Production Sharing Contracts from a Study of the Nigerian National Petroleum Corporation's (National Petroleum Management Services') Perspective, OGEL (Oil, Gas & Energy Law Intelligence), 2004.
31. Model Petroleum Production Sharing Agreement, Federal Democratic Republic of Ethiopia, 2011.
32. Model Petroleum Production Sharing Agreement, Republic of Angola, 2004.
33. Model Production Sharing Agreement for Petroleum Exploration, Development & Production, Uganda, 1999.
34. Model Production Sharing Agreement, Republic of Tanzania, 2013.
35. Model Production Sharing Agreement, Libya , 2006 .
36. Model Production Sharing Contract, Republic of Equatorial Guinea, 2013 .
37. Model Production Sharing Agreement, Nigeria , 2006 .
38. Nigeria Deep Offshore and Inland Basin Production Sharing Contracts Decree, No 9 of 1999.
39. Oil and Gas laws in Uganda: a legislators' Guide Oil discussion Paper, no. 1, international alert, May 2011.
40. Olaniwun Ajayi LP, Nigeria oil and gas, Freshfields Bruckhaus Deringerllp, March 2013.

41. Omolade A. Akinwumi ,Cost Recovery and High Oil Price: How Can Host Governments Capture Adequate Revenue? A Case Study of Nigeria, University of Dundee, 2013.
42. Presentation to Somalia Prime Minister: Somalia Petroleum Law, Malindi, Kenya, June 12, 2006.
43. Rex Attorneys, Tanzania oil and gas, Freshfields Bruckhaus Deringerllp, March 2013.
44. Republic of Senegal Draft Bill No. 98-05 Establishing the Petroleum code January 1998.
45. Sani Saidu, A Comparative Analysis of Production Sharing Contracts of Selected Developing Countries: Nigeria, Indonesia, Malaysia and Equatorial Guinea, Journal of Finance and Accounting, Vol. 2, No. 2, 2014.
46. Taimour Layand& Mika Minio-Paluello, Contracts Curse Uganda's oil agreements place profit before people, Civil Society Coalition on Oil in Uganda, February 2010.
47. Uganda Petroleum bill, 2013, chapter 150.
48. United nation's conference on trade and development conference on production sharing contracts(psc) in Africa, 2007.
49. Zitto Kabwe, 'Oil and Gas: Fiscal Challenges of Tanzania's Production Sharing Agreements (PSAs), MP and Chairman PAC Dar as Salaam, September 2014.

Archive of SID